

## تجلی نقش خورشید خانم در قالی ایران

محمد رضا شاه پروری<sup>۱</sup>

سید محمد مهدی میرزا امینی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۴/۱۹

تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۰۳/۱۷

### چکیده

قالی ایرانی همواره تجلی‌گاه نقوش متعددی است. هر یک از این نقوش، به‌گونه‌ای از ابراز احساسات هنرمند طراح و یا بافنده بهره‌جسته و از زندگی اجتماعی، اعمال آیینی و تمایلات فرهنگی آنان تأثیر گرفته و از این‌رو حامل مفاهیم کثیری همانند بهشت عدن، جاودانگی، خیر و شر است. در میان نقوش متنوع، نگاره خورشید خانم که قدمتی دیرینه دارد، از نگاره‌های رایج در قالی است که در فرم‌های شکسته، گردان و در نقاط گوناگون جلوه‌گری می‌کند و توسط بسیاری از بافندگان روستایی، عشایری و یا شهری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

لذا در پژوهش حاضر، چرایی کاربرد نقش مایه موسوم به خورشید خانم در قالی ایرانی به‌عنوان مهم‌ترین هدف مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین جهت در راستای پاسخگویی به سؤال مذکور، ابتدا به بررسی و تبیین جایگاه خورشید و زن که دو عنصر تلفیقی در نگاره مورد بحث است، طی ادوار گوناگون پیش و پس از اسلام در فرهنگ ایرانی پرداخته می‌شود. سپس با بررسی مفاهیم نقش مذکور، جایگاه آن در قالی و معانی حاکم بر آن و تأثیرپذیری آن از مناطق گوناگون مورد توجه قرار می‌گیرد. نتایج بررسی‌ها مبین آن است، نقش مایه خورشید خانم علاوه بر کاربرد تزئینی و فیگوراتیو در قالی، از مفاهیم معنوی و نمادین، نظیر الوهیت پروردگار، اقتدار، تعالی و نشانه‌هایی از او اشاره دارد. روش تحقیق در مقاله حاضر توصیفی و تحلیل محتوا بوده و گردآوری اطلاعات علاوه بر شیوه میدانی، به‌صورت کتابخانه‌ای نیز انجام گرفته است.

واژگان کلیدی: خورشید خانم، قالی، خورشید، زن.

## مقدمه

حضور نماد و رمز از ویژگی‌های بارز هنر شرقی است که در قالب کلمات، تصاویر و نقوش رخ می‌نماید و فراسوی ظاهر ساده اشکال و حروف به مفاهیم عظیم و معانی پیچیده‌ای اشاره دارد که از عوامل آیینی، فولکلور جامعه و ناخودآگاه جمعی نشئت گرفته است. این نمادینگی در هنر شرقی در موضوعات گوناگون و متعددی همانند طبیعت مورد کاربرد قرار گرفته است. طبیعت نه تنها در هنر شرقی، بلکه در هنر غربی از ابتدا به‌عنوان سرمشق و منبع الهام هنرمندان بروز کرده است و امری بدیهی است که در آثار هنری بدوی تاکنون انعکاس چشمگیری داشته است؛ اما بهره‌گیری از طبیعت در نظر هنرمندان شرقی، علیرغم همسانان غربی‌شان جنبه‌ای متمایز از ظاهر پیدا کرده و چنان بیانی نمادین یافته است که از درک جهانبینی شرقی این آثار، میتوان به‌عنوان ارتباط توحیدی میان علت و معلول یاد کرد؛ لذا ضرورت این امر در نظر هنرمند شرقی سبب انعکاس روزافزون طبیعت در هنرهای شرقی به شمار آورد (ذکرگو، ۱۳۸۸: ۱۵۵).

قالی ایرانی از قاعده مذکور مستثنا نیست و هنرمند طراح و بافنده جهت تصویرسازی هرچه جذاب‌تر این هنر ایرانی، تعداد کثیری از عناصر موجود در طبیعت همانند آب، درخت و خاک را به عاریه می‌گیرد و با عقاید، احساسات و علایق خویش درمی‌آمیزد و سبب بروز جلوه‌ای نمادین در قالب نقوش و طرح‌های متنوع قالی می‌شود؛ اما علیرغم کثرت کاربرد نقوش طبیعی و نمادین در قالی، مفاهیم و معانی نهفته در نگاره‌های قالی به دست فراموشی سپرده شده است و بسیاری از طراحان و بافندگان در حالی از این نقوش در قالی‌های خویش بهره می‌گیرند که از معانی غنی آن نیز بی‌اطلاع‌اند (پرهام، ۱۳۷۹: ۳۲).

از این رو درک و شناخت این قبیل از نقوش مستلزم انجام بررسی‌ها و مطالعات در جهات گوناگون تاریخی، فرهنگی و آیینی است.

از نقوش طبیعی در قالی، نقش‌مایه‌ای مشابه خورشید است که به‌گونه‌ای تجریدی و تزئینی به شکل پرخونی مشعشع تصویر شده درحالی که درونش با رخساره زنی با گیسوان از میان باز، ابروان در هم پیوسته و لبانی کوچک مزین شده است. به‌عبارتی دیگر، نگاره مذکور از تلفیق دو عنصر خورشید و مادینه گرد هم آمده است و این امر سبب اطلاق اصطلاح خورشید خانم به این نگاره در هنرهای تصویری و یا ادبیات شده است (بختور تاش الف، ۲۰۴۴: ۱۳۸۰).

نگاره موردبحث که ریشه در فرهنگ پیش از اسلام دارد، در دهه‌های اخیر علاوه بر قالی در سایر هنرهای تصویری نظیر نگارگری قابل‌مشاهده است؛ لذا چرایی کاربرد این

نگاره در قالی، زمینه انجام پژوهش حاضر را میسر ساخت. همچنین در راستای دلیل کاربرد نقش‌مایه خورشید خانم سؤالاتی همانند، عناصر خورشید و زن که در نگاره موردبحث به شکلی تلفیقی حضور دارند چه جایگاهی را طی ادوار گوناگون به خود اختصاص داده‌اند؟ تصویرسازی خورشید، آن‌هم با رخساره زن به چه دلیلی صورت گرفته است؟ این نقش چه جایگاهی را در قالی به خود اختصاص داده است و از چه مفاهیمی برخوردار است؟ مطرح می‌شود.

موارد فوق عموماً سؤالاتی است که حین مشاهده و تأمل نگاره خورشید خانم در قالی ایرانی در ذهن بیننده نقش می‌بندد؛ لذا اشاره و پاسخ به سؤالات فوق امری اجتناب‌ناپذیر است که در مقاله حاضر سعی شده است تا پاسخی درخور، به این سؤالات به‌عنوان دستاوردهای پژوهش ارائه شود.

## جایگاه خورشید در گذر زمان

خورشید در قالب کلمه به‌عنوان ستاره‌ای درخشان که سیارات منظومه شمسی به گرد آن می‌چرخند (معین، ۱۳۷۱: ۱۴۵۵) مطرح گردیده است که واژگان مترادف آن در ادبیات فارسی برابر خور، هورشید، آفتاب، مهر و شمس است. همچنین خورشید از منظر نجوم به‌عنوان ستاره‌ای تعریف شده است که سرچشمه اصلی نور، گرما و زندگی بر روی زمین است و قطرش نزدیک به ۱۰۹ برابر قطر زمین و جرمش به ۳۳۰ هزار برابر جرم زمین، برابر  $10^{33} \times 2$  کیلوگرم و چگالی آن ۵٫۲۵ برابر زمین است (woolfson, 2001, 1.12).

اما علیرغم تعاریف ارائه‌شده ظاهری و مادی، خورشید از دیرباز به دلایل گوناگون موردستایش و احترام قرار گرفته است، به‌گونه‌ای که نگاره آن در آثار بدوی تاکنون انعکاسی چشمگیر داشته و این انعکاس تأکیدی بر جایگاه والا و تقدس آن است.

این ستاره آسمانی در نزد اقوام بدوی به سبب برخورداری از ذات گرمابخش موردتوجه قرار گرفته است. در این عصر خورشید به سبب روشنی، منبع حیات و حاصلخیزی به‌عنوان خدای بلندمرتبه مورد پرستش و احترام روزافزون قرار گرفته است (هال، ۱۳۸۷: ۲۰۵). این احترام از عقاید انسان بدوی نشأت گرفته است که بی‌نصیب از استراتژی و ابزارآلات جنگی مجهز، آسیب‌پذیر در برابر حیوانات وحشی و سایر عوامل محیطی بوده و در نتیجه تابش نور خورشید و دمیدن سپیده، توان دیده‌بانی‌اش افزایش و پیرامونش گرم می‌شده و رشد گیاهان افزایش می‌یافته است؛ لذا مجموعه این دلایل مسبب ایجاد شائیه‌هایی برای بخشایش حالتی روحانی و مقدس‌مآب به خورشید

در ذهن انسان این دوره شده است (بختور تاش ب، ۱۳۸۳: ۳۳۲). همچنین مقارن با پیدایش شهرها و یکجانشینی آدمیان به سبب اهمیت کشاورزی، خورشید همچون آب نشانه‌های حیات انسانی است و از سویی نیروی مجسم انسان و پدر بشر نامیده می‌شود (یاحقی، ۱۳۸۶: ۳۳۹). تقدس خورشید تنها محدود به دوره بدوی نمی‌شود و با گذر زمان اندیشه حاکم بر مفاهیم نمادین و احترام خورشید به ادوار بعدی انتقال می‌یابد و همچنان خورشید به سبب ذات گرمابخش، ماهیت نورانی و پرتوهای سودبخش از ارج و مقامی والا برخوردار است.

در آیین زرتشت که از ادیان فراگیر و جامع ایران پیش از اسلام به شمار می‌آید، خورشید برخوردار از نیروی زمان و فرزدا خوانده می‌شود (یشت‌ها، ۱۳۶۳: ۴۵۷) و در نگرشی جامع‌تر، آشکارترین و اصیل‌ترین نماد اهورامزدا نور مطلق به شمار می‌آید که مصداق و کالبد زمینی وی طبق توصیفات هفت پاره، خورشید است (بختور تاش ب، ۱۳۸۳: ۳۴۲ و نیرنوری، ۱۳۴۴: ۲۰۳). همچنین در عصر هخامنشی که آیین زرتشتی نیز رایج بوده، خورشید در حکم تجلی و تداعی بُعد معنوی و مزدایی بوده است، از این رو مورد ستایش و تقدیر قرار گرفته است و به کرات در بیرق‌های ایران باستان به‌عنوان نمادی از نور اهورامزدا، عمر جاویدان و بی‌مرگی حضور می‌یابد (صلواتی، ۱۳۸۷: ۸۲). همچنین در این دوران نقش خورشید به‌عنوان مظهری از اقتدار، سلطنت و نماینده اهورامزدا در جنگ‌ها بر فراز چادر پادشاه به‌گونه‌ای نصب می‌شده است که از جهات گوناگون قابل مشاهده باشد (نیرنوری، ۱۳۴۴: ۱۱۸).

همچنین در آموزه‌های مانویان، انعکاس مقام خورشید همچنان از جایگاه والایی برخوردار است. در اعتقادات این آیین نور به‌عنوان عالی‌ترین ذات هستی به شمار می‌رود که بر تمام موجودات حکم‌فرمایی می‌کند و از آنجایی که خورشید مصداق عینی و مادی این نور به شمار می‌آید، این جرم سماوی در حکم جوهر الهی پنداشته می‌شود (ویدن گرن، ۱۳۸۷: ۶۴). از این رو خورشید در آموزه‌های آیین مانویان از تقدس والایی برخوردار است.

از کیش‌های دیگر که پیش از اسلام رایج بوده و از قدیمی‌ترین آن‌ها به شمار می‌آید، مهرپرستی است که در عصر ساسانی علاوه بر ایران، در اروپا گسترش و پیروانی یافت. در آرای این آیین، خورشید در مقام مهر فرض شده است و تولد میترا، روز ولادت خورشید خوانده شده است (زمردی ب، ۱۳۸۲: ۵۰). همچنین دوازدهمین روز هرماه که به خورشید و یا خاور تعلق می‌گرفته و چنین پنداشته می‌شده است که با طلوع خورشید، میترا به نبرد و جنگ با شیاطین برمی‌خیزد (Madanjeet, 1993, 215).

در اساطیر ایرانی نیز خورشید تمثیلی از مهر و در مواردی اهورامزدا به شمار می‌آمده است. (Dell, 2012, 43) با توجه به آنچه پیش‌تر پیرامون سه آیین زرتشتیت، مانویت و میترایسم آورده شد، خورشید در دوران پیش از اسلام از اشتراکاتی در اندیشه برخوردار بوده است و آن وجه اشتراکات هم‌چنین است که خورشید تمثالی از اهورامزدا، نور مطلق مانویت و مهر به شمار می‌آمده است و به‌عبارت‌دیگر نمودی از قادر مطلق و خدایان وقت است. همچنین در شاهنامه فردوسی خورشید دارای مفاهیمی همانند مرگ آیینی، مرگ و نوزایی مجدد و الوهیت است که از آموزه‌های آیینی نشئت گرفته است. بدین سبب مقاطع زمانی رزم و بزم در این حماسه منظوم با دمیدن و یا غروب خورشید نمایانده می‌شود (زمردی ب، ۱۳۸۲: ۳۱۲ و ۳۱۶).

پس از ظهور و ورود دین اسلام به ایران، برخی از اعتقادات و آموزه‌های ادیان پیشین در اثر ورود دین جدید حذف و برخی دیگر با تغییرات تدریجی با دین جدید تطبیق یافته و در عرفان، اندیشه و فرهنگ عمومی جاری گردید. خورشید از جمله عناصری است که در دوره اسلامی همچنان جایگاه پیشین خود را حفظ نموده و در فرهنگ اسلامی با جایگاهی والا رواج یافته است. چنان که در برخی از تفکرات اسلامی خورشید به خاندان نبوت و حضرت محمد (ص) نسبت داده می‌شود (بهرام پور، ۱۳۸۷: ۳۶ و محمدی، ۱۳۸۷: ۵۵) و در برخی موارد این عنصر فروزان عین‌الله، علیم و انعکاس آن‌سوی حجاب خوانده شده است (کوپر، ۱۳۸۶: ۱۳۴). جایگاه والای خورشید در کتاب مقدس اسلام یعنی قرآن کریم انعکاس یافته و سوره‌ای بانام شمس در میان این کتاب پدیدار شده است که در آن پروردگار توانا به خورشید سوگند یاد می‌کند و در سوره‌ای دیگر خدا نور آسمان‌ها و زمین یاد می‌شود و تجلیاتی از خورشید در این سوره به حضرت حق تعالی نسبت داده می‌شود.<sup>۲</sup> علاوه بر موارد فوق، برخی از متون اسلامی خورشید را برابر بهشت و پرتوهای آن را طریقت وصال به رحمت الهی توصیف کرده‌اند (بهار، ۱۳۶۲: ۱۶۸).

علاوه بر ادیان، خورشید جایگاه قابل توجه و لاینفک در ادبیات ایرانی دارد و واژگانی نظیر مهر، هوشیدر و خور در ابیات شاعران بزرگی چون خاقانی، عطار، مولانا و حافظ به تعداد کثیر قابل تأمل است و اشاره به اعتقادات ناخودآگاه و گرایش‌ها نهانی آنان به آیین دیرینه مهر و مقام والای خورشید در نظر آنان دارد (کزازی، ۱۳۶۸: ۱۰۳). عرفان اسلامی نیز در تبیین مقام خورشید سهمیم بوده و انعکاس بسیاری در اعتقادات و اندیشه یافته است. چنان که شیخ اشراق از عرفای به نام و پایه‌گذار مکتب

اشراق در آثارش، بزرگ‌ترین و آشکارترین آیت خداوندی و نشانه‌های حق تعالی را خورشید می‌خواند (خسروی، ۱۳۸۸: ۱۰۳). همچنین در برخی از متون عرفانی و ادبی همانند اشعار خاقانی، ماه در مقابل خورشید قرار می‌گیرد و در تفسیر این ابیات، خورشید نمادی از احدیت، ذات مطلق و وحدت و در مقابل آن ماه نمادی از کثرت به شمار می‌آید (زمردی الف، ۱۳۷۹: ۳۰۷ و سجادی، ۱۳۸۹: ۳۷۴).

با توجه به آنچه پیرامون جایگاه خورشید در ادوار اسلامی آورده شد، در این دین، خورشید مقدس پنداشته شده است که تأثیرگذاری ادیان پیشین همانند زرتشتیت و میترائیسم در آن نه تنها بی‌تأثیر نبوده بلکه نقشی اساسی و محوری داشته و بر مفاهیمی نظیر نبوت و وحدانیت اشاره داشته و در مواردی ذات حق تعالی، سرچشمه و کمال نهایی نیز پنداشته شده است. (Jung, 1959, 79)

### جایگاه زن در فرهنگ ایران

از آنجایی که نگاره خورشید خانم تلفیقی از دو عنصر خورشید و زن است، لذا در ادامه سطور به بررسی جایگاه زن در ادوار گوناگون پرداخته می‌شود.

زن و به‌عبارت‌دیگر مادینگی در اعصار بدوی عصری قابل احترام بوده است. بدین سبب در ادوار بدوی، دوره‌ای موسوم به مادر سالاری شکل می‌گیرد که در آن ابقای نسل مقوله‌ای حائز اهمیت می‌نماید و زن که از توان باروری برخوردار است، مورد احترام قرار می‌گیرد. از این رو بنیان خانواده بر حضور زن استوار می‌گردد و مادر جایگاهی در حکم فرمانروای خانواده می‌یابد (حصوری، ۱۳۸۹: ۱۳). انعکاس این جایگاه سبب خلق نقوش بسیاری از آن دوره شده که هم‌اکنون در هنرهای گوناگون قابل مشاهده است. با گذر زمان از دوره مادر سالاری، جایگاه زن از حکم فرمانروای خانواده تغییر می‌یابد؛ اما علیرغم این تغییر، منزلت زن تقلیل نمی‌یابد بلکه در ادیان گوناگون آزادی عمل و مقام وی حفظ و در برخی ادوار ارتقا می‌یابد. در عصر هخامنشی زنان صاحب‌منصب بوده‌اند و از خود دارای کارگاه‌های دولتی بوده‌اند و توان صدور و یا اجرای فرامین دولتی داشته‌اند (ماری کخ، ۱۳۸۷: ۲۷۵)؛ لذا انعکاس فیگورها، تندیس‌ها و پرتزه‌های زنان در نقش برجسته‌های این دوران مبین این جایگاه است. در آیین زرتشت زنان پارسا موردستایش ویژه قرار گرفته‌اند و بر آموزش اصول اخلاقی و قوانین مذهبی به آنان تأکید بسیار شده است (ایزدینا، ۱۳۸۱: ۱۲۷ و ۱۲۸). همچنین حضور آنها به‌عنوان الهه آب‌های روان در میان امشاسپندان<sup>۳</sup> با وظیفه باروری، سبز کردن زمین و اعطای منصب پادشاهی به پادشاهان ساسانی در نقش

برجسته طاق‌بستان تأکیدی دیگر بر جایگاه این الهه و به‌عبارت‌دیگر زن در ادوار پیش از اسلام است (قلیان، ۱۳۷۴: ۸۶).

در ادوار اسلامی نیز جایگاه زن حفظ گردیده است. دین اسلام که بر برابری تأکید دارد، میان مرد و زن سوپه منزلت اختلافی قرار نداده است. اما هر یک از جنسیت‌های مرد و یا زن از حسن و صفات منحصر به فردی برخوردار هستند. در این دین زن به سبب برخورداری از لطافت و زیبایی مظهر و نمادی از جمال، خلاقیت، بخشش و زیبایی پروردگار به شمار می‌آید و چنان که از تفسیر آیه مباحله<sup>۴</sup> برمی‌آید مورد عنایت خاص الهی قرار گرفته‌اند و به گفته پیامبر اسلام موجودات به امانت در این دنیا سپرده شده‌اند (شهیدی صالحی، ۱۳۷۹: ۴۹۴). همچنین برخورداری از صفات باروری، ابقای نسل، ویژگی مادر شدن و قرار دادن بهشت به زیر پای مادران به روایت احادیث، حکایت از ارزش والای زنان در این دین دارد.

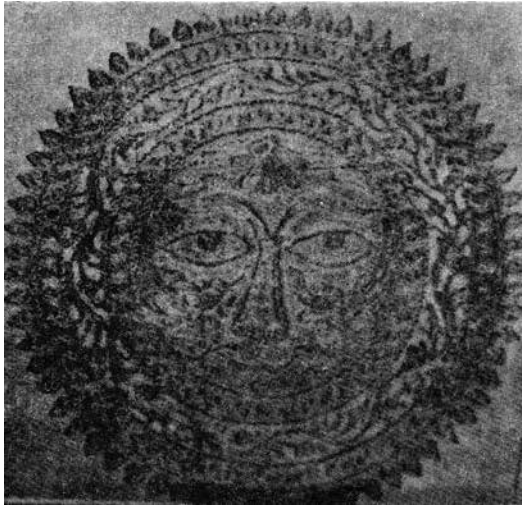
این عربی از عرفای قرن ششم معتقد است که زنان از محبوبیت برخوردار هستند و سر این محبوبیت در آن است که در زن ذات اقدس خداوند منزّه تجلی می‌یابد و هر مظهري که بیشتر بیانگر اوصاف الهی باشد، بهتر خدا را نشان می‌دهد. بدین سبب زن کامل‌تر از مرد است و محل تکوین صور انسانی به شمار می‌آید (همان: ۴۹۷ و جهانگیری، ۱۳۸۴: ۱۱۶ و ۱۱۷).

با توجه به آنچه آورده شد، عنصر مادینگی و به‌عبارت‌دیگر زن از دیرباز تاکنون در این خطه مقدس به شمار می‌آمده و با احترام با وی برخورد می‌شده است. دلیل این تقدس در زنان را میتوان به سبب دارا بودن ویژگی باروری، ابقاء نسل و زیبایی در ادوار پیش از اسلام و لطافت، الفت و رحمت زنانه در دوران اسلامی به شمار آورد. بدین سبب در برخی از ادوار زنان با فرشتگان و الهه‌گان باستانی و یا اسلامی مقایسه می‌شده‌اند که از صفات باروری در طبیعت برخوردار بوده‌اند.

همچنین تقدس این عنصر زنانه سبب خلق کهن‌الگویی در جامعه کنونی شده است که کاربرد آن در جهات، فرم‌ها و اشکال گوناگون در هنر و سایر زمینه‌ها قابل مشاهده است و علاوه بر این سرزمین در سایر مناطق مورد کاربرد قرار گرفته است (سرلو، ۱۳۸۹: ۴۵۵).

### خورشید خانم، پیشینه و مفهوم

در هنر ایرانی به نگاره‌ای با قدمتی دیرینه و تلفیق دو عنصر خورشید و زن به شکلی تزئینی و تجریدی پرداخته می‌شود که به سبب تلفیق این دو عنصر، اصطلاح خورشید خانم به این نقش اطلاق می‌شود. این نگاره عموماً به‌صورت پرهونی<sup>۵</sup> مشعشع پرداخته می‌شود که



تصویر ۲- ظرف فلزی دوره اشکانی (مأخذ: بختور تاش الف، ۱۳۸۰، ۲۴۳)



تصویر ۱- سر سنجاق مفرغ لرستان، ۱۲۰۰ - ۱۰۰۰ ق. م، (مأخذ: گدار، ۱۳۷۷، ۶۳)

با تغییر معانی در ادوار و هنرهای گوناگون مورد کاربرد قرار گرفت. چنان‌که به عقیده برخی از محققین حضور این نقش‌مایه در هنرهای تصویری همانند نگارگری در این دوران و ام‌دار هنرهای پیش از اسلام است (بختور تاش الف، ۱۳۸۰: ۲۴۱). در عصر اسلامی این نقش‌مایه علاوه بر هنرهای تصویری، وارد ادبیات و عرفان نیز شده و در تفاسیر و معانی بر چهره معشوق<sup>۱</sup> ماورایی دلالت دارد که عموماً به صورت مؤنث در هاله‌ای از نور همانند خورشید توصیف شده است (عرب نیا، ۱۳۷۷: ۸۶) و با نگاره تصویری موسوم به خورشید خانم صادق است. این نگاره در دوران نخست اسلامی در هنرهای گوناگون مورد کاربرد قرار می‌گیرد؛ اما دوره اوج کاربرد نقش‌مایه خورشید خانم در عصر اسلامی دوران قاجار است. در این دوره علاوه بر بار معنایی نگاره مذکور، خورشید خانم فرمی تزئینی می‌یابد و در بسیاری از هنرهای تصویری مورد کاربرد قرار می‌گیرد و در مواردی به‌عنوان نمادی از سلطنت، با شیرینی توأم و تصویر می‌شود. عموماً پردازش نقش خورشید آن‌هم به صورت تصویری و تلفیقی با عنصر زنانگی از بار معنایی برخوردار است و پیشینه افکاری دو عنصر خورشید و زن بر معانی نمادین نظیر اقتدار و باروری همراه با الفت و رحمت اشاره دارد و از دیگر سوی خورشید از هر حیث بر الوهیت و قدرت پروردگار اشاره دارد که در کنار عنصر زنانگی بر جمال ذات حق تعالی (خزایی، ۱۳۸۱: ۱۳۳ و محمدی، ۱۳۸۷: ۵۴) دلالت می‌کند و این امر سبب ترویج و کاربرد این نگاره در ادوار گوناگون شده است.

درونش به شکل رخساره زنی با لبانی کوچک، ابروان درهم پیوسته و یا منقطع، گیسوان از میان باز و چشمان درشت مزین شده است. کاربرد این نگاره که تلفیقی از دو عنصر خورشید و زن به شمار می‌آید در اعتقادات فرهنگی ادوار پیشین مورد ستایش قرار گرفته است و از آنجایی که زن در فرهنگ پیش از اسلام قدرت اول و بارور زمین به شمار می‌آمده است، با خورشید به عنوان درخشان‌ترین، بارورترین و قدرتمندترین عنصر آسمانی، قیاس و برابر دانسته می‌شده است (فره و شی، ۱۳۵۲: ۲۱). قرار گرفتن دو عنصر مذکور کنار یکدیگر امری بدیهی است که در ادوار باستانی بر اساس باورها و عقاید آیینی شکل گرفته است و در نتیجه انتقال فرهنگ و عقاید به ادوار بعدی، با تغییر معانی کم‌وبیش یکسان به حیات خود ادامه داده است. نگاره مذکور، علیرغم کاربرد وسیعش در دهه‌های اخیر بالأخص دوران قاجار تاکنون قدمتی دیرینه دارد و نمونه‌هایی از این نگاره در ادوار پیش از اسلام مشاهده شده است که به سبب تقدس اشیایی نظیر طلسم‌های عهد مفرغ لرستان متعلق به ۱۰۰۰ ق. م، سلاح فلزی دوران هخامنشی و ظرف فلزی دوران اشکانی مورد کاربرد قرار گرفته است (تصاویر ۱ و ۲). حضور این نگاره در طلسم‌ها، سلاح‌های جنگی و ظروف، تأکیدی است بر عقاید آیینی و مقدسی که حول این نگاره وجود داشته که سبب کاربرد این نقش‌مایه در آلات مذکور به‌ویژه طلسم شده است. این نگاره در دوران اسلامی نیز همچنان از تقدس برخوردار بوده و همانند بسیاری از نقوش، حذف نگردیده است بلکه

## نگاره خورشید خانم در قالی

چنان‌که پیش‌تر بدان اشاره‌شده است، در پس ظاهر پرپیچ‌وتاب نقوش قالی ایرانی، معانی و مفاهیم گسترده‌ای نهفته است و هر یک از قالی‌های ایرانی خواه عشایری، روستایی و یا شهری بیانگر حقیقتی نمادین است که به خارج از عالم ظاهر اشاره دارد (دانشگر، ۱۳۸۸: ۸۳). این نمادینگی در قالی ایرانی از ذهن هنرمندی نشئت می‌گیرد که ناخودآگاه به نمادین کردن یک ایده آل هنری می‌پردازد و به هر میزان که این اثر هنری از طبیعت فاصله می‌گیرد، ایده آل وی که عموماً از قواعد و دستورات آیینی و فرهنگی تبعیت می‌کند، بیشتر متجلی می‌شود (تجدد، ۱۳۹۰: ۶۵). بدین سبب می‌توان گفت قالی ایرانی اثری است که به واسطه تلاش هنرمند طراح و یا بافنده، مفاهیم و معانی کثیری را ورای این جهان خاکی به نمایش می‌گذارد.

نگاره خورشید خانم از نقوش رایجی است که در نقاط و موقعیت‌های گوناگون قالی ایرانی به کرات قابل مشاهده است و با توجه به آنچه پیش‌تر آورده شد از معانی و مفاهیم نمادین برخوردار است. این نگاره در ترنج، لچک و متن قالی‌های سنتی و بالأخص قالی‌های تصویری علاوه بر برخورداری از معانی و مفاهیم نمادین، به سبب کاربرد تزئینی و فیگوراتیو در پی تأثیر از نقاشی و هنر غربی و کاربرد موتیف‌های ایرانی در دوران قاجار تاکنون به کثرت قابل مشاهده است.

نگاره مورد بحث در قالی‌های ایرانی بنا بر نوع طرح و نقش در قالی‌های تصویری و سنتی جایگاه‌های گوناگونی را به خود اختصاص داده است. یکی از این جایگاه‌ها، حضور نگاره خورشید خانم در مرکز و به عبارت دیگر در ترنج قالی است. ترنجی که در قالی نقطه‌ای انتزاعی و نمادین به شمار می‌آید و بر معانی بسیاری همانند ورای بهشت زمینی، کثرت در وحدت، منشأ همه هستی، عامل بالقوه، فضای قدسی، محور دنیا، واقعیت مطلق و نقطه تلاقی جهان صحه می‌گذارد (میرزا امینی و بصام، ۱۳۸۹: ۲۷)؛ لذا کاربرد نقش مایه خورشید خانم که خود بر مفاهیم الوهیت، رحمت و جمال ذات حق تعالی دلالت دارد، آن‌هم در مرکز فرش که برترین نقطه قالی در جهت نیل به اهداف و نقطه مقدس به شمار می‌آید، سبب افزایش و تشدید تجلی صفات و مفاهیم نمادین نقش خورشید خانم در قالی می‌گردد و به گونه‌ای ناخودآگاه بر جلال و جمال الهی اشاره می‌کند (تصویر ۳).

لچک قالی، جایگاه دیگری در قالی ایرانی است که در آن نگاره خورشید خانم فرصتی برای حضور می‌یابد. حضور این نگاره به سبب جایگیری در لچک قالی و نوع طرح در این ناحیه، به شکل پرخونی ناقص با رخساره‌ای کامل



تصویر ۳- نقش خورشید خانم در ترنج فرش، فراهان، ربع پایانی دوره قاجار، ۱۳۷×۲۱۱ (ژوله، ۱۳۹۰، ۳۵۴)

پرداخته می‌شود؛ لذا پردازش این نگاره، با تزئینی کامل و خورشیدی ناقص و یا نیمه‌کامل به مفاهیمی چون انعکاس خورشید از پس حجاب اشاره دارد (همان: ۱۳۳). خورشیدی که در حجاب است؛ اما از اقتدار و قدرتش کاسته نمی‌شود و همچنان از پس پرده ناظر و قادر است. از این رو تصویرسازی نقش خورشید آن‌هم به صورت نیمه‌کامل خود بر مفاهیمی چون ذات الهی تکیه دارد و بر حکمت و اقتدار پروردگار اشاره دارد که در پس پرده و نهان است، اما همچنان ناظر بر جهان مخلوق است که در آیات گوناگونی از قرآن کریم طبق آنچه آورده شد، اشاراتی شده است (تصویر ۴).

علاوه بر آنچه پیرامون قالی‌های سنتی آورده شد، قالی‌های تصویری گوناگون کاربرد بسیاری از نگاره خورشید خانم یافته‌اند؛ لذا کاربرد این نگاره در قالی‌های تصویری که نه به‌عنوان زیرانداز در زیر پا بلکه به‌عنوان قالی‌ای که همانند تابلویی بر دیوار نصب می‌شود، تأکیدی بر کاربرد مفهومی و عدم استفاده تزئینی این نگاره در قالی می‌شود. حضور نگاره خورشید خانم در قالی‌های تصویری بر مفاهیم مقدس این قالی صحه می‌گذارد که سبب می‌شود این نگاره در قالی‌های تصویری بر دیوار و مکان‌های مشابه



تصویر ۴- نقش مایه خورشید خانم در لچک فرش، بافت تبریز، (Sakhai, 2008, 154)

نصب گردد و همواره تجلی و یادآور ذات حق تعالی در نظر بیننده با دفعات مشاهده این قالی باشد.

از نمونه قالی‌های تصویری که در آن نگاره خورشید خانم به دفعات قابل مشاهده است، نگاره‌ای موسوم به هوشنگ شاهی است. نگاره مورد بحث در این گروه به طور معمول بر فراز تخت سلطنت و پشت پادشاه به شکل نیمه کامل و یا کامل قرار گرفته است (تصویر ۵ و ۶). از این رو حضور خورشید آن هم به شکل تلفیقی و قرارگیری آن بر تخت سلطنت ریشه در تفکر پیش و پس از اسلام این سرزمین دارد که پادشاه نماینده اهورامزدا و یا دادار پاک بر روی زمین است و فرمانروایی پادشاه توسط وی حمایت می‌گردد؛ لذا تصویرسازی این نقش که نه تنها در قالی بلکه در سایر هنرهای تصویری ایرانی به کار رفته است، تقدس شاه بر روی زمین و تحت حمایت بودن وی توسط نیروی واحد را نشان می‌دهد که بدین صورت تجلی یافته است.

شکل دیگر حضور نگاره خورشید خانم در قالی‌های تصویری موسوم به منطقه البروج نمایان می‌شود (تصویر ۹). در این نمونه طرح فصول و ماه‌های گوناگون به شکل سماوی آن به تصویر کشیده می‌شود که نمونه‌ای از آن

در موزه قالی ایران محافظت و نگهداری می‌شود. در این نمونه نقش مایه مورد بحث بر فراز ماه‌های گوناگون سال که بانام نجومی، شمسی و شمایل نگاریشان تصویر شده‌اند، قرار گرفته است و در مقابل این خورشید، ماه نیز قابل مشاهده است. تصاویر موجود در این تصویر در ابتدا بر مفاهیم نجومی و ایام سال اشاره دارد؛ اما با کمی تأمل قرار گرفتن خورشید بر فراز ایام گوناگون در حکم قدرتی واحد و آفریننده منطقه البروج است (بوس و فورد، ۱۳۸۸: ۱۱۷) و بر قرارگیری آن در مقابل ماه که اشارتی بر کثرت است (لاهیجی، ۱۳۷۱: ۷۲)، آن هم در فضایی مملو از گل‌ها و گیاهان تجریدی و ختایی متنوع، یادآور مفاهیم وحدت در کثرت در قالی و عرفان است و بدین سبب در حکم تذکره‌ای بر اقتدار و احدیت آفریدگار هستی است. نمونه‌های دیگر تجلی نگاره مذکور در قالی‌های شهری و یا روستایی در کنار نقش شیر است (تصویر ۱۳-۱۰). این نقش که به شیر و خورشید هم معروف است، به گونه‌ای ترسیم می‌شود که شیر پیش‌تر و در پس آن نقش خورشید با دو چشم، ابروان پیوسته و یا منقطع و به صورت نیمه تصویر شده است. از نقش مذکور دو مفهوم کاملاً متمایز برداشت می‌شود که مفهوم نخست به سویه



تصویر ۷- قالی تصویری، نقش خورشید خانم بر فراز تخت  
سلطنت، کاشان، دوره قاجار، ۲۶۰×۳۵۰  
(مأخذ: چیت سازیان، ۱۳۸۸: ۱۴۲)



تصویر ۵- حضور نقش مایه خورشید خانم در بخش از متن  
فرش، بافت اصفهان، ۱۲۷۷ ه. ش، ۴۹×۱۳۶  
(مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۸- قالی تصویری، نقش خورشید خانم بر فراز تخت  
سلطنت، کاشان، دوره قاجار، ۱۳۰×۲۱۱  
(مأخذ: ژوله، ۱۳۹۰: ۱۱۸)



تصویر ۶- فرش هوشنگ شاه، نقش خورشید خانم در پس  
هوشنگ شاه، کرمان، ۱۲۸۳ ه. ش، ۱۳۵×۲۰۷  
(مأخذ: بصام، ۱۳۸۳: ۱۹۲)





تصویر ۱۰- فرش قشقایی، نقش خورشید خانم و شیر، محل بافت فارس، ۲۴۵ × ۱۶۰ (مأخذ: تناولی ب، ۱۳۵۶: ۱۲۳)



تصویر ۹- قالی منطقه البروج، نقش خورشید خانم بر فراز ایام سال، محل بافت اصفهان، ۱۱۸۰ ه. ش، ۲۱۸ × ۱۴۵ (مأخذ: نگارندگان)

ارائه شده، برمی آید. از این رو کاربرد این نقش در قالی های عشایری امری بدیهی است که در نتیجه ارتباط نزدیک آنان با فصول مختلف سال، رخ داده است و از سویی دیگر کاربرد آیینی آن نیز مورد توجه است که در پی هویت ملی شکل گرفته و در قالی های بسیاری انعکاس یافته است.

#### نتیجه

قالی ایرانی تجلی گاه آمال و آرزوهای هنرمندانی است که با بیانی نمادین و در قالب نقوش متنوع، آن ها را منعکس و بدین شکل اثری خلق کرده اند که گام از ظاهر خود فراتر نهاده و به سوی جهان خاکی و مفاهیمی از این قبیل دلالت دارد. از این رو شناخت و درک مفاهیم نقوش موجود در قالی جهت خلق اثری بدیع و اصیل امری لازم می نماید.

در این میان، نقش مایه ای موسوم به خورشید خانم که تلفیقی از دو عنصر طبیعی خورشید و زنانگی است و به شکل پرهونی بارنگ روشن پرداخته می شود و درونش با رخساره زنی با لبان کوچک، چشمان بزرگ، ابروان در هم پیوسته و یا منقطع و گیسوان از میان باز مزین می شود، از نگاره های رایجی است که علاوه بر قالی های تصویری در قالی های عشایری، روستایی و شهری بافت نیز به کرات قابل استفاده و مشاهده است.

بررسی های انجام شده مبین آن است که خورشید که

مادی و جنبه نجومی و سوبه دیگر به مفاهیم نمادین و عرفانی اشاره دارد. نخستین مفهوم که به بُعد سماوی نقش شیر و خورشید اشاره دارد، بدین گونه است که منجمان پیشین، ماه ها را بر حسب فصول سال به سیارات ماه و خورشید نسبت می دادند. در این میان مردادماه که اسد (شیر) هم نامیده می شود، با گرم ترین ایام و ماه در سال مقارن است، از این رو خورشید که گرم ترین جسم سماوی است به این ماه منتسب و با آن برابر دانسته می شده است؛ لذا کاربرد شیر و خورشید که در قالی، بیرق و موارد مشابه قابل مشاهده است<sup>۷</sup>، در نگاه نخست بر مفهومی نجومی اشاره دارد (تناولی الف، ۱۳۶۸: ۱۰۷ و عرب نیا، ۱۳۷۷: ۱۳۷). از سویی دیگر خورشید از دیرباز در بیرق های اعصار گوناگون به عنوان نمادی از این سرزمین، بی مرگی، جاودانگی، شکوه و جلال سلطنتی مورد کاربرد قرار گرفته است (صلواتی، ۱۳۸۷: ۸۱). از این رو قرارگیری آن در کنار شیری که از سویی نشان از دلاوری، جنگاوری و به نوعی میترا دارد (سرلو، ۱۳۸۹: ۵۳۷ و ۵۳۸) و از سویی دیگر نمادی از حضرت علی به عنوان اکثریت شیعه در ایران است (یاحقی، ۱۳۸۶: ۵۳۴) بالأخص از عصر صفوی تاکنون و میتواند دلیلی بر تقدس خورشید در فرهنگ جامعه به همراه صفاتی چون توانمندی، نامیرایی، آیین و هویت یک ملت باشد؛ لذا از قالی های منقش به تصویر شیر و خورشید دو مفهوم



تصویر ۱۲- فرش قشقایی (کشکولی)، نقش شیر و خورشید خانوم، محل بافت فارس، در فرش فارس، ۱۱۵×۱۸۸ (تناولی ب، ۱۳۵۶: ۱۱۴)



صویر ۱۱- فرش قشقایی، نقش خورشید خانم در پشت شیر، محل بافت فارس، ۲۹۴×۱۲۵ (مأخذ: تناولی ب، ۱۳۵۶: ۱۱۸)

عنصر قالب در این نگاره است در فرهنگ ایرانی به سبب ماهیت گرمابخش و نورانی مورد تقدس و احترام قرار گرفته و یادآور میترا و اهورامزدا پیش از اسلام و ذات احدیت مطلق در عصر اسلامی است. همچنین مادینگی که دیگر عنصر موجود در نگاره مورد بحث است، از دیرباز نمادی از باروری، پاکی و لطافت به شمار می آمده است. از این رو نگاره خورشید خانم به سبب تلفیق دو عنصر خورشید و مادینگی، حامل مفاهیم نمادین دو عنصر مذکور است و به طور کلی بر مفاهیمی چون الوهیت و ذات حق تعالی توأم با لطف و رحمتش دلالت دارد. بدین سبب خورشید خانم، نقش مایه‌ای ویژه در هنر قالی و دارای مفاهیم آیینی و فرهنگی است.

جایگاه این نگاره در قالی‌های مرسوم و دارای نقش مایه‌های گیاهی عموماً در میان قالی و در نقاطی همانند ترنج، لچک و یا متن و نه در حاشیه به شکلی شکسته و یا منحنی مشاهده می‌شود. از این رو تداعی مفاهیم ویژه‌ای را بنا بر نوع جایگاه به همراه دارد. حضور نگاره مورد بحث در ترنج قالی با تشدید و تأکید بر آن، در لچک حضور خالق و یا نیرویی ماورایی و قدسی در پس حجاب و در متن قالی بنا بر نوع طرح، با مفاهیم متنوعی همراه است. همچنین



تصویر ۱۳- قالی شجاع نظام، نقش شیر و خورشید خانم، بافت راور، ۱۲۶۲ ه. ش، ۲۲۴×۱۴۴ (مأخذ: نگارندگان)

هویت ملی و آیینی و در برخی دیگر به مفاهیم نجومی اشاره دارد. با توجه به آنچه پیش تر و در سطور فوق آورده شد، نوع قرارگیری این نگاره در فرش‌های گوناگون مبین آن است که نقش‌مایه مورد بحث توسط هنرمند به صورت خودآگاه و یا ناخودآگاه مورد استفاده قرار گرفته است و در هر دو نوع فرش‌های مرسوم و تصویری به مفاهیم واحد و مشترکی اشاره دارد که از تقدس عناصر موجود در این نگاره در عوامل آیینی، فرهنگی و اجتماعی الهام گرفته است.

کاربرد این نگاره در قالی‌های تصویری که به دیوار نصب و نه در زیر پا قرار می‌گیرد، علاوه بر استفاده تزئینی، خالی از مفهوم نبوده و کاربرد کثیر آن بی‌عنایت معنایی نیست. نقش‌مایه خورشید خانم در قالی‌های تصویری بنا بر نوع تصویر، دارای معانی و مفاهیم مشترکی است و عموماً با قرارگیری در پس پادشاه، شیر و یا به صورت مفرد بر مفاهیمی چون ذات اقدس یکتا، احدیت و قدرت وی اشاره دارد. علاوه بر مفاهیم عرفانی حضور این نقش در برخی از فرش‌ها و نگاره‌ها مفاهیمی مازاد دارد و بر

### پی‌نوشت‌ها

۱. ای مردم برای هدایتان از جانب خدا نوری تابان فرستادیم (نساء (۴): ۴۷).
۲. خداوند نور آسمان‌ها و زمین است (نور (۲۴): ۳۵).
۳. چیزی در مورد امشاسپندان
۴. آل‌عمران (۳): ۶۱.
۵. منظور از پرهون همان دایره است.
۶. مراد از معشوق در ادبیات عرفانی ذات حق است که موجد سراسر عالم است. از آنجاکه تمام موجودات، به جلوه‌های انوار وجودی او حیران‌اند، فقط اوست که از جمیع جهات سزاوار دوستی است (سجادی، ۱۳۸۹: ۷۳۳).
۷. در سال ۱۲۵۲ هجری قمری در زمان محمدشاه قاجار شیر و خورشید به عنوان علامت قطعی و رسمی ایران انتخاب گردید. دلیل انتخاب این نقش به عنوان نشان رسمی در نظام‌نامه‌ای ایران چنین توضیح داده شده است که خلاصه آن چنین است: نقش شیر خورشید نقشی باستانی است که در عصر زرتشت و شاید هم پیش‌تر وجود داشته است. این نقش از ابتدا نشان دولت علیه ایران است و هویت ملی ایرانی است. این نقش در برخی از اعصار بر مفاهیم آیینی و در برخی دیگر بر معنای نجومی اشاره دارد (نفیسی، ۱۳۲۸: ۷۶).

### منابع

- قرآن کریم، ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای، مشهد: نشر جلیل.
- ایزدپناه، مهرداد (۱۳۸۱). آشنایی با دین زرتشت، تهران: انتشارات محور.
- بختور تاش الف، نصرت اله (۱۳۸۰). نشان راز آمیز، چاپ سوم، تهران: موسسه انتشارات فرهنگی هنری فروهر.
- بختور تاش ب، نصرت اله (۱۳۸۳). تاریخ پرچم ایران، تهران: انتشارات بهجت.
- بصام، سید جلال‌الدین و همکاران (۱۳۸۳). رویای بهشت هنر قالیبافی ایران، جلد دوم، تهران: سازمان اتکا.
- بهار، مهرداد (۱۳۶۲). پژوهشی در اساطیر ایران، پاره نخست، مشهد: توس.
- بهرام پور، نسرین (۱۳۸۷). بررسی نمادهای مقدس ایران در سفال، تهران: نشر شهرآشوب.
- تجدد، حسین (۱۳۹۰). دائرةالمعارف فرش دستباف ایران، جلد اول، تهران: دائرةالمعارف ایران‌شناسی.
- تناولی الف، پرویز (۱۳۶۸). قالیچه‌های تصویری ایران، تهران: انتشارات سروش.
- تناولی ب، پرویز (۱۳۵۶). قالیچه‌های شیری فارس، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جعفر قلیان، طاهره (۱۳۷۴). چهره زن در اساطیر ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- جهانگیری، محسن (۱۳۸۴). زن از نگاه ابن عربی، فصلنامه بازتاب اندیشه، شماره شصت و پنجم.
- چیت‌سازیان، امیرحسین (۱۳۸۸). نگاهی به تاریخ درخشان فرش کاشان، تهران: انتشارات سروش.
- حصوری، علی (۱۳۸۹). مبانی طراحی سنتی در ایران، چاپ سوم، تهران: نشر چشمه.
- خزائی، محمد (۱۳۸۱). نمادگرایی در هنر اسلامی، اولین همایش هنر اسلامی ایران، به اهتمام محمد خزائی، تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی.

- خسروی، حسین (۱۳۸۸). نگاهی به نماد خورشید در تمثیلات سهروردی، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، سال پنجم، شماره ۱۵.
- دانشگر، احمد (۱۳۸۸). دانشنامه فرش ایران، کتاب دوم. تهران: مرکز ملی فرش ایران.
- ذکری، امیرحسین، طبیعت در هنر شرقی (۱۳۸۸). مجموعه مقالات همایش طبیعت در هنر شرق، تهران: فرهنگستان هنر.
- زمردی الف، حمیرا (۱۳۷۹). تجلیات قدسی خورشید، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۵۳ و ۱۵۴.
- زمردی ب، حمیرا (۱۳۸۲). نگرش تطبیقی ادیان و اساطیر شاهنامه فردوسی، تهران: انتشارات زوار.
- ژوله، تورج الف (۱۳۹۰). پژوهشی در فرش ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات یساولی.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۸۹). فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، انتشارات طهوری، چاپ هشتم، تهران.
- سرلو، خوان ادواردو (۱۳۸۹). فرهنگ نمادها، ترجمه‌ی مهرانگیز اوحدی، تهران: انتشارات دستان.
- شهیدی صالحی، محسن (۱۳۷۹). مدخل زن، دائره‌المعارف تشیع، جلد هشتم، تهران: نشر شهید سعید محبی.
- صلواتی، مرجان (۱۳۸۷). نماد شناسی بیرق ایران باستان تا آغاز دوران صفویه، فصلنامه تخصصی هنرهای تجسمی نقش‌مایه، سال اول، شماره ۱.
- عرب نیا، فرامرز (۱۳۷۷). نماد پژوهی خورشید، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ارتباط تصویری، تهران: دانشگاه هنر تهران.
- فره‌وشی، بهرام (۱۳۵۲). ایران ویج، تهران: دانشگاه تهران.
- کزازی، میر جلال‌الدین (۱۳۶۸). از گونه‌ای دیگر: جستارهایی در فرهنگ و ادب ایران، تهران: نشر مرکز.
- کوپر. جی. سی (۱۳۸۶). فرهنگ نمادهای مصور سنتی، ترجمه‌ی ملیحه کرباسیان، تهران: فرهنگ نشر نو.
- گدار، آندره (۱۳۷۷). هنر ایران، ترجمه بهروز حبیبی، چاپ سوم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- لاهیجی، شمس‌الدین (۱۳۷۱). مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، مقدمه و تصحیح محمد برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران: انتشارات زوار.
- ماری کخ، هاید (۱۳۸۷). از زبان داریوش، ترجمه‌ی پرویز رجبی، چاپ سیزدهم، تهران: نشر کارنگ.
- محمدی، رامونا (۱۳۸۷). نقش خورشید در هنر اسلامی، دو فصلنامه تخصصی نقش‌مایه، شماره ۲.
- معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی، جلد اول، چاپ هشتم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- میراندا بروس و میت فورد (۱۳۸۸). فرهنگ مصور نمادها و نشانه‌ها در جهان. ترجمه‌ی ابوالقاسم دادور و زهرا تاران، تهران: انتشارات کلهر و دانشگاه الزهراء.
- میرزا امینی، سید محمد مهدی و بصام، سید جلال‌الدین (۱۳۹۰). نقش نمادین ترنج در فرش ایران، فصلنامه علمی پژوهشی گلجام، شماره ۱۸.
- نفیسی، سعید (۱۳۲۸). درفش ایران و شیر و خورشید، تهران: زینعلی.
- نیرنوری، حمید، تاریخچه بیرق ایران و شیر و خورشید (۱۳۴۴). تهران: موسسه مطالعات و تحقیقاتی اجتماعی ایران.
- ویدن گرن، گئو (۱۳۸۷). مانی و تعلیمات او، ترجمه‌ی زهت صفا اصفهانی، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
- هال، جیمز (۱۳۸۷). فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه‌ی رقیه بهزادی، چاپ سوم، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- یشت‌ها (۱۳۶۳). ترجمه‌ی کتابیون مزداپور، جلد دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Dell, Christopher (2012) Mythology, United kingdom: Thames & Hudson Ltd
- Jung.C.G (1959) Psychology and alchemy, Collected works, London: Routledge.
- Madanjeet, singh (1993) The sun in myth and art, London: unesco.
- Sakhai, Essie (2008) Persian rugs and carpets, England: Antique collectors club Ltd.
- WoolFSON, Michael (2001) The origin and evolution of the solar system, Astronomy & Geophysics, vol 41, issue 1.12- 1.19.

## Investigation Woman Sun Patterns in Iranian Carpet

---

M.Shahparvari<sup>1</sup>  
M.Mirzaamini<sup>2</sup>

Received: 2014.07.10  
Accepted: 2015.06.07

### Abstract

Also Iranian Carpet is base of different patterns that each of them explain of emotional artist or sewer and it effects on social life religious culture traditional life. Although it includes of extremely information such as heaven, angle or evil. In different patterns, sun woman is very old between variety patterns. One of typical pattern in Iranian carpet that has circle and geometry forms. Many sewers use it in many places.

in this study how can we use this pattern is our carpet and why this pattern is Iranian carpet. That in side we want to answer to this question. At first, search about sun and ladies position, in many times, before and after Islamic period, it was base of many speeches. Then it finds good position in Iranians carpet. It describes of means and fluency of figurative and decorate use in religious means. It refer to god and universal. This article consist of describe the information like libraries.

**Key Words:** Woman sun, Hand made Carpet, Woman, Sun.

---

1. Master in Carpet, Islamic Art University of Tabriz, mrshahparvari@yahoo.com  
2. Ph.D student in Art research, Art University of Isfahan, aminimehdi96@gmail.com